

نگاه بینامتنیت حدیثی به اشعار ولایی شاهنامه

احمد رضا یلمه‌ها*

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۵

مسلم رجبی**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۲۷

چکیده

بینامتنیت یکی از نگرش‌های نوین در زمینه نقد ادبی است، و شالوده آن بر این اساس قرار گرفته که هیچ متنی خودبسنده و اصیل نیست؛ بلکه واگویه‌ای از متون پیشین‌اش است. دیوان شعرا و کتب ادبا از این قاعده مستثنی نیستند. این پژوهش با هدف نمایاندن بینامتنیت حدیث در اشعار ولایی «شاهنامه» فردوسی، و بررسی چگونگی استفاده حکیم فرزانة طوس از روایات در «شاهنامه» صورت گرفته است، تا در پایان بتوان از پیوند «شاهنامه» حکیم طوس با احادیث حضرات معصومین علیهم السلام بیش از پیش آشنا شد.

کلیدواژه‌ها: احادیث اهل بیت(ع)، بینامتنیت، فردوسی، شاهنامه، اشعار ولایی.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد دهقان (استاد).

Plbdum@gmail.com

** دانشجوی مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

نویسنده مسؤول: مسلم رجبی

مقدمه

یکی از رویکردهای نوین در عرصه نقد ادبی "بینامتنیت" است که بر این اساس بنیان نهاده شده که هیچ متنی خودبسنده و اصیل نیست، و هر متن در آن واحد، هم بینامتنی از متون پیشین و هم بینامتنی برای متون پسین خواهد بود. این رویکرد در اواخر دهه شصت-بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷- از طریق بررسی‌های ژولیا کریستوا/ زبان‌شناس بلغاری در آثار باخنین، در بحثه‌ای متعددی در دو مجله «Tel-quel» و «critique» به شکل نظریه‌ای شکل گرفت (مکاریک، ۱۳۸۵: ۷۲؛ انجینو، ۱۹۸۷: ۱۰۱). بینامتنیت و یا "تناص"، به معنی اندیشه انتقال معنی یا لفظ یا هر دو از یک متن به متنی دیگر، و یا ارتباط متنی با متن یا متون دیگر می‌باشد (عبدالعاطی، ۱۹۹۸: ۴).

در حقیقت بینامتنیت در نقد ادبی به عنوان یکی از نظریه‌های مدرن و جدید به شمار می‌رود، که گویای نگرش نوینی در علم نقد محسوب می‌شود. بینامتنیت از ارتباط وسیع و ضروری صحبت می‌کند که بین یک متن یا متون دیگر وجود دارد؛ پیوند دوسویه و تنگاتنگ متن حاضر با سایر متون، اگر نگرش ما به متن از دیدگاه بینامتنیت باشد، ثمره‌ای شیرین هم‌چون معنادهی متن جدید دارد که در سایه‌سار آن می‌توان معانی متنوع و مختلفی برای متن متصور شد. بینامتنی یعنی خواندن متن با توجه به متون دیگر و مبتنی بر این اندیشه است که متن، نظامی بسته و مستقل نیست و در خلأ پدید نمی‌آید و خواسته یا ناخواسته با متون دیگر ارتباط دارد. بارت معتقد است که هر متن در حقیقت نقل قول‌هایی است از هزاران قائل بی نام و نشان، نقل قول‌هایی که در نگارش آن‌ها علامت نقل قول را نگذاشته‌اند (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۵۹).

در این رابطه بلوم می‌گوید که هنرمند متأخر همیشه در اضطراب تأثیرگذاری از هنرمند پیشین است که مبادا کارش به کپی‌برداری محض تبدیل شود (سبزیان، ۱۳۸۷: ۴۸). بدون شک هر شاعر و ادیب و مسلمان که از دین مبین اسلام و کتب دینی تأثیر پذیرفته است سعی می‌کند تا در لابه‌لای اشعار و سخنان خویش، الفاظ و عباراتی از آیات کلام الله و روایات اهل بیت (ع) را در نوشته خویش متجلی و منعکس می‌سازد. یکی از این شاعران حکیم *ابوالقاسم فردوسی* است که همگان به بلندی مرتبه‌اش در شاعری و عظمت مقامش در ادب فارسی اقرار دارند. وی برای تیمن و تبرک، از آیات نورانی قرآن کریم و به تبع آن احادیث حضرات معصومین علیهم السلام

استفاده کرده که این مورد را می توان یکی از رازهای ماندگاری «شاهنامه» به حساب آورد. اگرچه راجع به بینامتنیت پژوهش‌هایی مانند «بینامتنیت و پیامدهای نظری آن در ترجمه؛ از گفت‌وگومندی تا بینامتنیت» صورت گرفته است، ولی به تحقیقی که به جلوه بینامتنیت حدیث اهل بیت علیهم السلام در اشعار ولایی «شاهنامه» پردازد کم‌تر اقبال شده است. این نکته ما را بر آن داشت تا در کتاب حماسی فردوسی به کند و کاو پردازیم و اشعار وی را از دیدگاه بینامتنیت مورد ارزیابی و بررسی قرار دهیم. این پژوهش با هدف نمایاندن تأثیرگذاری احادیث حضرات معصومین علیهم السلام بر اشعار ولایی «شاهنامه» فردوسی صورت گرفته است.

سوالات پژوهش

۱. از دیدگاه بینامتنیت، آیا فردوسی در شاهنامه خود الفاظ حدیثی و روایی را به کار برده است؟
۲. آیا فردوسی در کتاب حماسی خویش به طور مستقیم به آوردن احادیث اهل بیت (ع) همّت گماشته است؟
۳. آیا می توان جلوه‌هایی از ولایت و محبت اهل بیت (ع) را در شاهنامه یافت و آن اشعار را در ارتباط با احادیث و روایات دانست؟

فرضیه پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که فردوسی در شاهنامه‌اش، سوای بکار بردن آیات کلام الله، سعی در گنجاندن معانی و مضامین روایی داشته است. از دیدگاه بینامتنیت شاید بتوان گفت که وی به بهترین وجه از روایات و احادیث اهل بیت در کلام خویش استفاده کرده است. از دیدگاه بینامتنیت گمان می‌رود که وی در برخی از اوقات برای تأکید سخنان خویش اقدام به آوردن احادیث و مضامین روایتی می‌کند. در ادامه به همه این پرسش‌ها و فرضیه‌ها پاسخی روشن و دقیق داده خواهد شد.

بینامتنیت حدیث در اشعار ولایی شاهنامه فردوسی

ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام گنجینه‌ای والا و ارزشمند است که هر پیرو حقیقتی به داشتن این موهبت الهی به خود می‌بالد. یکی از کسانی که به کرات در اشعارش به ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام همیشه افتخار کرده و داشتن این محبت و مودت را به مخاطبان خویش توصیه می‌کند، حکیم فرزانه طوس فردوسی است. فردوسی شاعر حماسه‌سرای ایران، یکی از بزرگ‌ترین معماران ادب فارسی است که شعرش مورد تقلید و استقبال خیل کثیری از شعرا و ادبا قرار گرفته است. اثر سترگ حکیم طوس، شاهنامه، علاوه بر ویژگی‌های اصیل حماسی، دارای رنگ و رویی مذهبی و ولایی و نیز برگرفته از احادیث حضرات معصومین (ع) است. وی شاعری است معتقد و با ایمان که چنین به ابراز مودت با حضرات معصومین می‌پردازد:

منم بنده اهل بیت نبی	سراینده خاک پای وصی
برین زادم و هم برین بگذرم	چنان دان که خاک پی حیدرم

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

آن‌گاه به صراحت همگان را به پیروی از گفتار پیامبر بزرگوار اسلام فرا می‌خواند:

اگر دل نخواهی که باشد نژند	نخواهی که دائم بُوی مستمند
به گفتار پیغمبرت راه جوی	دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

حال شاعر مسلمان و معتقدی هم‌چون فردوسی نمی‌تواند بی‌اعتنا به این حدیث متواتر نبوی باشد که (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۳۳): «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْصَ».

لذا با ترسیم جلوه ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام، گویا خواسته است به سفارش پیامبر بزرگوار اسلام جامه عمل بپوشاند. اگر از دیدگاه بینامتنیت حدیثی اشعار ولایی وی را مورد نقد و بررسی قرار دهیم، احادیث اهل بیت علیهم السلام به عنوان متن غایب و اشعار ولایی شاهنامه فردوسی به عنوان متن حاضر، و روابط بینامتنی حدیث با اشعار ولایی شاهنامه به عنوان

عملیات تناس محسوب می‌شود که به بررسی بینامتنیت واژگانی، معنایی و حوادث و شخصیت‌های حدیثی می‌پردازد. در قالب نظریه بینامتنیت ضمن تبیین و تفسیر روابط بینامتنی شاهنامه با احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام میزان کارکرد و تأثیر این مفاهیم در شعر وی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

الف) بینامتنیت واژگانی

۱. ولی و سرپرست بودن

متن غائب: «محمد بن سعد الأنصاری قال: سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: يقول لعلی بن ابی طالب علیه السلام: يا علی أنت ولی الناس من بعدی فمن أطاعك فقد أطاعنی و من عصاك فقد عصانی» (مجلسی، ۱۳۸۱: ۳۸ / ۱۳۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۶۶؛ صابری و انصاری، ۱۳۷۵: ۱۷۴):

«محمد بن سعد انصاری گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که به علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌فرمود: ای علی! پس از من تو سرپرست مردم می‌باشی، هر که تو را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر که تو را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده است.»

متن حاضر:

سر انجمن بد ز یاران علی که خوانند او را علی ولی

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۸۹۲)

عملیات بینامتنیت:

در مورد ولی در فرهنگ لغات معانی مختلفی چنین آمده است: سرپرست و اداره‌کننده امر (قرشی، ۱۳۷۱: ۷ / ۲۴۷)، و نیز ولایت - با کسره حرف (و) یاری کردن است ولی - ولایت - با فتحه حرف (و) سرپرستی است، و نیز گفته شده هر دو واژه حقیقتش همان سرپرستی است که کاری را به عهده بگیرند. ولی و مؤلی در آن معنی به کار می‌رود که هر دو در معنی اسم فاعل هستند (راغب، ۱۴۱۲، ۴: ۴۸۹). فردوسی چنان که ملاحظه می‌شود فرد بزرگ انجمن و به تعبیری

همان سرپرست انجمن را وجود مقدس آقا علی ابن ابی طالب علیه السلام معرفی کرده، و خاطرنشان کرده است که همگان/امیر مؤمنان را به نام ولی می خوانند، یعنی همان سرپرست و مولی.

۲. اهل بیت علیهم السلام

متن غائب: «امام باقر علیه السلام: بُنَى الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِتْيَاءِ الزَّكَاةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ» (صدوق، ۱۳۶۲، ۱: ۲۷۷) «اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه، و ولایت ما اهل بیت.

بیت.

متن حاضر:

محمد بُد و اندرون با علی همان اهل بیت نبی و ولی

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

عملیات بینامتنی:

در معنی "اهل" گفته اند یعنی "خانواده و خاندان" (قرشی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۳۵). گفته اند "اهل بیت" یعنی کسانی که نسب خانوادگی، وسیله جمع آن هاست. بعداً اصطلاح اهل بیت به طور مطلق به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اطلاق شده است و آن ها با این اصطلاح شناخته شده اند چنانکه در این آیه قرآن آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۱۹):

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ (احزاب/۳۳)

چنانکه ملاحظه می شود فردوسی واژه اهل بیت علیهم السلام را به همان معنی خاندان نبوت به کار برده است.

۳. وصی

متن غائب: از فرمایشات وجود مقدس حضرت محمد بن عبدالله (ص) در روز غدیر است: «ای معشر مردمان این علی وصی من و امام شما است بعد از من، و

قاضی و حاکم دین من و اداکننده دین من و وفاکننده به وعده و به عهد من است و بی‌گزار از آن منبع عدل و معدن انصاف اصلاً شیوه خلاف ظاهر نگردد، و اول کسی که در کنار حوض کوثر به حکم ایزد اکبر با من مصافحه نماید بی‌شبهه اوست» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱: ۳۱۲).

متن حاضر:

منم بنده اهل بیت نبی ستاینده خاک پای وصی

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

عملیات بینامتنی:

در مورد معنی وصی چنین نوشته‌اند: "وصی" للمذکر و المؤنث: وصیت کننده، آنکه به او وصیت کنند، آنکه امور افراد کم سال و یتیم را به عهده گیرد (بستانی، ۱۳۷۵: ۹۸۷). به وضوح می‌توان دید که فردوسی این واژه را در همان معنی حقیقی و نیز در اشاره به مولا علی بن ابی‌طالب علیه السلام آورده است.

۴. عشق

متن غائب: «راوی می‌گوید: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعِشْقِ. قَالَ قُلُوبُ خَلَّتْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ»: از امام صادق علیه السلام درباره عشق مجازی پرسیدم فرمود: خداوند به قلبی که از ذکر خدا خالی است، محبت غیر خود را می‌چشاند (الصدوق، ۱۳۶۲: ۶۶۹).

متن حاضر:

پدید آید آنگاه باریک و زرد چو پشت کسی کو غم عشق خورد

عملیات بینامتنی:

اگرچه بعضی مانند محی‌الدین عربی معتقدند: «عشق را نمی‌توان تعریف کرد و هرچه درباره آن گویند، جز لفاظی و مجازگویی نیست» (محی‌الدین عربی، ۱۳۹۲: ۱۱۱)؛ ولی به این

صورت هم نیست که تعریف ناپذیر باشد، مانند شعر که چندین تعریف دارد ولی باز هم با گذر زمان تعاریفی به آن اضافه می‌شود. چنانکه استاد بهاء‌الدین خرمشاهی می‌گوید: «عشق محبت مفرط است. محبت علاقه است. حالا باید علاقه را معنی کنیم که مهربانی است. حالا باید مهربانی را تعریف کنیم که شیفتگی می‌شود. باید شیفتگی را تعریف کنیم و باید از هر لغتی به لغت دیگر برویم» (خرمشاهی، ۱۳۸۲: ۲۷۷). برای "عشق" به کسر عین معانی مختلفی آورده شده، ولی مشهورترین آن یعنی افراط در محبت. حکیم فرزانه طوس با اشاره به واژه عشق آن هم در باب مجازی، اثرات منفی‌ای را برای آن متذکر شده است.

۵. قرآن

متن غائب: آقا علی ابن ابی طالب علیه السلام: قرآن شفاعتگری است که شفاعتش پذیرفته می‌شود، و گوینده‌ای است که سخنش تصدیق می‌گردد (صابری و انصاری، ۱۳۷۵: ۲۵۳).

متن حاضر:

ز توحید و قرآن و وعد و وعید ز تأیید وز رسم‌های جدید

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۱۳۴۷)

عملیات بینامتنی:

قرآن کلام برتر و بزرگ (فلسفی، ۱۳۷۹: ۲۱) و عهد خداوند و فرمان او است (مصطفوی، ۱۳۸۱، ۴: ۴۱۲). فردوسی هم این واژه را یک مرتبه در شاهنامه‌اش به کار برده است. نمی‌توان شاعر فرزانه و محبّ اهل بیتی هم چون فردوسی را از این حدیث نبوی غافل دانست آنجا که فرمود: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ» (مجلسی، ۱۳۸۰: ۱۰: ۴۴۵).

ب) بینامتنیت معنایی

۱. صلوات

متن غائب: رسول خدا(ص) فرمود: «اگر کسی بر من صلوات فرستد، خداوند و فرشتگانش براو درود می‌فرستند. اگر کسی یک بار بر من صلوات بفرستد، خداوند ده بار براو رحمت می‌آورد و ده گناه را برای او می‌آمرزد و ده درجه او را بلندی می‌بخشد» (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶: ۵۷۱).

متن حاضر:

درود تو بر گور پیغمبرش که صلوات تاج است بر منبرش

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۸۹۷)

عملیات بینامتنی:

فردوسی در چند جای دیگر از شاهنامه بر پیامبر خدا حضرت محمد(ص) و یاران و خاندان ایشان درود می‌فرستد (گله‌کردن فردوسی از پیری و روزگار: ۸۵۲؛ سپردن اردشیر کار پادشاهی را به شاپور: ۸۹۲؛ پاسخ نامه رستم از سعد وقاص: ۱۳۴۸). در این چهار موضع از شاهنامه سعی کرده است که یاد و نام پیامبر گرامی/اسلام را زنده نگاه داشته، و اثرش را به نام نامی ایشان متبرک سازد.

۲. ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام

متن غائب: حضرت محمد(ص): «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ»: مثل اهل بیت من در میان شما هم‌چون کشتی نوح است، هرکس سوار شود نجات یافته و کسی که تخلف کند هلاک می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۳۲۳).

متن حاضر:

منم بنده اهل بیت نبی ستاینده خاک پای وصی
حکیم این جهان را چو دریا نهاد بر انگیخته موج از و تندباد

چو هفتاد کشتی برو ساخته
یکی پهن کشتی به سان عروس
محمد بدو اندرون با علی
خردمند کز دور دریا بدید
بدانست کوموج خواهد زدن
به دل گفت اگر با نبی و وصی
همه بادبان‌ها برافراخته
بیاراسته همچو چشم خروس
همان اهل بیت نبی و ولی
کرانه نه پیدا و بن ناپدید
کس از غرق بیرون نخواهد شدن
شوم غرقه دارم دو یار وفی

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

عملیات بینامتنی:

نیک می‌دانیم که محبت اهل بیت علیهم السلام و داشتن ولایت/امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب عامل نجات و رستگاری است. در حقیقت فردوسی با اعتقاد راسخ به حدیث نبوی، بدایت شاهنامه را به آن حدیث نورانی مزین کرده و با تجسم کردن کشتی و خطر غرقه شدن در مهلکه‌ها چنین به ابراز عقیده خود می‌پردازد:

اگر چشم داری به دیگر سرای
گرت زین بد آید گناه من است
هر آن کس که در جانش بغض علی است
به نزد نبی و علی گیر جای
چنین است و این دین و راه من است
ازو زارتر در جهان زار کیست

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

۳. حدیث روز غدیر

متن غائب: حضرت محمد(ص): «مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَابُهَا وَ لَنْ تُوتِيَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُجِبُّنِي وَ يُبْعِضُ عَلِيًّا»: «ای گروه مردم من مدینه علم و حکمت‌ام و علی ابن ابی طالب علیه السلام در آن است، و کسی وارد مدینه دانش نمی‌شود الا این که از در آن

وارد شود و دروغ می‌گوید کسی که می‌گوید دوست دارد مرا و در حالی که بغض
علی را به دل دارد» (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

متن حاضر:

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی خداوند امر و خداوند نهی
که من شهر علمم علی‌ام در است درست این سخن قول پیغمبر است

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

عملیات بینامتنی:

در ابیات فوق از شاهنامه حکیم فرزانه طوس به راستی می‌توان تأثیر دقیق و صریح فردوسی
را از حدیث نورانی نبوی در روز غدیر دید، و خود او نیز بر این قول صحه گذاشته که گویی با
گوش جان این سخنان را از حضرت محمد(ص) شنیده است:
گواهی دهم کاین سخن‌ها ز اوست تو گوئی دو گوشم پر آواز اوست

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

ج) بینامتنیت شخصیت

۱. هاشمی

متن غائب: هاشم یکی از اجداد پیامبر اسلام(ص) بوده، لذا به ایشان رسول
هاشمی می‌گویند، و از آنجایی که مادر امام باقر، ام عبدالله دختر امام حسن مجتبی
است راجع به ایشان روایت شده است: **إِنَّ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَاشِمِيٌّ مِنْ هَاشِمِيَّيْنِ
وَ عَلَوِيٌّ مِنْ عَلَوِيَّيْنِ وَ فَاطِمِيٌّ مِنْ فَاطِمِيَّيْنِ** (مجلسی، ۱۳۸۱، ۴۶: ۲۱۶).

متن حاضر:

ز جنی سخن گفت و ز آدمی ز گفتار پیغمبر هاشمی

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۱۳۴۷)

فردوسی "هاشمی" را به دلیل انتساب آن حضرت به هاشم جد بزرگوار ختمی مرتبت به کار برده است. در حدیث فوق هم هاشمی برای امام باقر به کار برده شده است چون منتسب به رسول هاشمی است.

۲. حضرت محمد(ص)

متن غائب: در حدیث قدسی آمده است: «ای محمد! من نظری به زمین افکنم و تو را از آن برگزیدم، و برای تو نامی از نام‌های خود جدا کرده و برگرفتم، من در جایی یاد نشوم مگر اینکه تو (هم) یاد شوی، من محمودم و تو محمد، سپس دوباره به زمین نظر افکنده و علی را از آن انتخاب کردم، و برای او (هم) نامی از نام‌های خود برگرفتم، من اعلایم و او علی است» (بحرانی و محلاتی، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

متن حاضر:

محمد بدو اندرون با علی همان اهل بیت نبی و ولی

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

عملیات بینامتنی:

فردوسی در اینجا اشاره به نام نامی پیامبر خاتم حضرت محمد(ص) می‌نماید.

۳. حضرت علی ابن ابی طالب(ع)

متن غائب: حضرت محمد ابن عبدالله(ص): «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى طَاعَتِكَ وَاجِبَةٌ عَلَيَّ مَنْ بَعْدِي كَطَاعَتِي فِي حَيَاتِي»: یا علی تو برای من به منزله حضرت هارون برای موسی هستی، اطاعت از تو واجب است بعد من. هم‌چون اطاعت من در زمان حیاتم (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۱۲).

متن حاضر:

علی را چنین گفت و دیگر همین کزیشان قوی شد بهر گونه دین

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۴)

عملیات بینامتنی:

فردوسی در این جا اشاره به نام نامی حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام می نماید.

۴. حضرت حمزه علیه السلام

متن غائب: حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم: عمویم حمزه

سید شهیدان است (صدوق، ۱۳۶۲، ۲: ۳۶۱).

متن حاضر:

چو عباس و چون حمزه شان پیش رو سواران و گردن فرازان نو

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۱۱۶۵)

عملیات بینامتنی:

فردوسی در ماجرای سپاه کشیدن ساوه شاه به جنگ هرمزد چنین از حمزه سید الشهدا (ع) یاد می کند.

نتیجه بحث

بینامتنیت گویای این امر است که هر متنی در برهه‌ای از زمان تحت تأثیر آثار قبل از خود بوده، و با تغییر و تحول آثار پیشین، به خود هویتی متنی بخشیده است. با شکافتن این متن نوین می توان به وضوح و البته با دقت و تأمل ارجاعاتش به آثار قبل از آن را دید. به عبارت دیگر در بنیان و اساس آراء و افکار هر نویسنده‌ای می توان اندیشه‌ها و تفکرات دیگر نویسندگان و ادبا و شعرا دید. همین دیدگاه بینامتنیت نام دارد که در سایه‌سار این نوع نگرش هر متنی زابیده آراء و اندیشه‌های متون قبل از خود است. خیلی از شعرا و ادبا در حین کاربرد مضامین، افکار، حکایات،

و...الخ تمام اهتمام خود را در این مصروف می‌دارند که از الفاظ و تراکیب و عبارات حدیثی بهره گیرند. یکی از این شعرا فردوسی است که از احادیث اهل بیت علیهم السلام به وفور در اشعارش استفاده کرده است. اشعار ولایی «شاهنامه» پیوندی عمیق و ژرف با احادیث حضرات معصومین دارد. از دیدگاه بینامتنیت حدیثی می‌توان به پیوند و ارتباط ناگسستنی «شاهنامه» با احادیث حضرات معصومین علیهم السلام پی برد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن طاووس، علی بن موسی. ۱۴۰۶، **فلاح السائل و نجاح المسائل**، قم: بوستان کتاب.
انجینو، مارک. ۱۹۸۷، **فی أصول الخطاب النقدي الجديد**، ترجمه احمد المدینی، بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.

خرمشاهی، بهاء‌الدین و مسعود انصاری. ۱۳۷۶، **پیام پیامبر(ص)**، تهران: منفرد.

خرمشاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۸۲. **حافظ حافظه ماست**، تهران: نشر قطره.

دیلمی، حسن. ۱۴۱۲، **إرشاد القلوب إلى الصواب**، قم: شریف رضی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة.

سبزیان، سعید. ۱۳۸۷، **بینامتنیت در رمان «سرگشته در دنیا»ی تورگنیف**، کتاب ماه ادبیات، شماره ۲۰، صص ۴۵-۵۰.

شمیسا، سیروس. ۱۳۷۸، **گزیده غزلیات مولوی**، تهران: نشر و پژوهش دادار.

شیخ صدوق. ۱۴۰۴ ق، **من لایحضره الفقیه**، قم: جامعه مدرسین.

شیخ مفید. ۱۴۱۳ ق، **أمالی**، قم: کنگره شیخ مفید.

طبرسی، احمد بن علی. ۱۴۰۳ ق، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، مشهد: مرتضی.

عطاردی، عزیز الله. ۱۳۹۰، **زندگانی چهارده معصوم(ع)**، تهران: اسلامیة.

محلّی الدین عربی. ۱۳۹۲ م، **فتوحات المکیة**، چاپ قاهره.

مکاریک، ایرناریما. ۱۳۸۵، **دانشنامه نظریات ادبی معاصر**، ترجمه مهران نجفی و محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه.